

## Comparative Study of the Use of Conciliation in International Commercial Disputes and Its Legal Capacity (Situation) in Iran

Milad Haji Esmacili

PhD student, Department of Law,  
Shahid Beheshti, Tehran, Iran.  
Email: miladhsm1@gmail.com

Received: 2023-11-03

Accepted: 2024-01-12



### Abstract

Nowadays, the use of conciliation as one of the alternative dispute resolutions (ADR) is expanding in many parts of the world. The reason is behind the numerous advantages that this procedure has in its essence for solving commercial disputes with high efficiency. Now the questions that are raised are as follows: Are there any rules of conciliation in Iran or not? If the previous question is positive, are these rules effective? And what are the rules of conciliation in the laws and regulations of other legal systems? As a brief answer, it should be noted that in Iran, despite the existence of legal rules such as conciliation in the civil law and mediation in the civil procedure law, still conciliation as a dispute resolution method has not reached maturity and has not found an independent position among other procedure. This article is based on the premise that the rules of conciliation in the current legal system of Iran are significantly different from the rules of conciliation such as the UNCITRAL model law, the rules of the International Chamber of Commerce, the directives of the European Union, the Singapore Convention or even the national law of Singapore; In such a way that currently it cannot be used as an independent and efficient method in commercial contracts.

Journal of Research and Development in  
Comparative Law

Iranian Law and Legal Research Institute

Vol. 6 | No. 21 | Winter 2023  
(Original Article)

[www.jcl.illrc.ac.ir](http://www.jcl.illrc.ac.ir)

DOI:  
[10.22034/LAW.2024.2017107.1278](https://doi.org/10.22034/LAW.2024.2017107.1278)

Therefore, while analyzing the current laws in Iran, with a comparative perspective, the author tries to provide a comprehensive vision of effective regulations in conciliation. Although the principle is on confidential proceedings in the conciliation method, exceptions should also be made. According to the directive of the European Union, the principle of confidentiality is maintained and no person, including the mediator, has the right to disclose the resulting documents except: (a) in cases where this is necessary for the essential considerations of public order of the relevant member state, especially when for it is necessary to ensure the protection of the best interests of children or to prevent harm to the physical or mental integrity of a person; or (b) in cases where disclosure of the content of the agreement resulting from the mediation is necessary for the purpose of implementing or enforcing that agreement. The result of this paper revealed that, Another measure that needs to be fully anticipated is the issue of not being able to refer to the documents and evidence presented by the parties in other proceedings, and this issue originates from the main philosophy of compromise; As it was said, sometimes the parties consider compromise as a method of resolving their dispute, when condemning the other party is not their main goal, and in most cases they want to continue their business relationship with him. In principle, in order to obtain the satisfaction of the other party, they may waive some of their indisputable rights, or accept some of the violations of their obligations, or present reasons and documents to their detriment, so that they can show their goodwill to the other party.

**Keywords:** *Alternative dispute resolution (ADR), Commercial disputes, Conciliation, Mediation, settlement of agreement*

# مطالعه تطبیقی استفاده از سازش در اختلافات تجاری بین‌المللی و ظرفیت (جایگاه) قانونی آن در ایران

دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق،  
دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران،  
Email: miladhsml@gmail.com

میلاد حاجی اسماعیلی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳



فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی  
بزهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۶ | شماره ۲۱ | زمستان ۱۴۰۲  
(مقاله پژوهشی)  
www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/LAW.2024.2017107.1278

## چکیده

امروزه به‌کارگیری شیوه سازش، به عنوان یکی از روش‌های حل و فصل اختلاف جایگزین دادگاه و داوری، در بسیاری از نقاط جهان در حال گسترش است. علت آن، مزایای متعددی است که این روش در جوهره خود بر رسیدگی با کارایی بالا به اختلافات تجاری دارد. حال پرسش‌هایی که مطرح می‌گردند بدین ترتیب است که آیا در ایران قواعد سازش وجود دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن سؤال پیشین، آیا این قواعد کارآمد می‌باشد؟ و قواعد سازش در قوانین و مقررات سایر نظام‌های حقوقی به چه شکل می‌باشد؟ در مقام پاسخی مختصر بایستی متذکر شد که در کشور ایران، علی‌رغم وجود قواعد قانونی مانند صلح در قانون مدنی و سازش در قانون آیین دادرسی مدنی، همچنان سازش به عنوان یک روش حل و فصل اختلاف به بلوغ نرسیده و جایگاه مستقلی در میان سایر روش‌ها پیدا نکرده است. مقاله حاضر بر این مبنا استوار است که احکام سازش در نظام حقوقی حال حاضر ایران، با قواعد سازش همچون قانون نمونه آنسیترال، قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی، دستورالعمل اتحادیه اروپا، عهدنامه سنگاپور و یا حتی قانون ملی سنگاپور فاصله قابل توجهی دارد؛ به نحوی که در حال حاضر نمیتوان آن را به عنوان یک روش مستقل و کارآمد در قراردادهای تجاری استفاده نمود. از این روی نگارنده ضمن واکاوی قوانین حاضر در ایران، با نگاهی تطبیقی، کوششی در ارائه چشم‌اندازی جامع از مقررات‌گذاری مطلوب در سازش دارد.

**کلیدواژه‌ها:** اختلافات تجاری، اصلاحگری، سازش، سازش‌نامه، روش‌های حل و فصل اختلاف جایگزین، میانجی‌گری.

## مقدمه

تجارت در دنیایی که ما اکنون در آن زندگی میکنیم، یکی از معدود موضوعاتی است که ویژگی‌های فراگیری دارد و حد و حدودی از مرزهای جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نمی‌شناسد. قطع نظر از رنگ پوست، نژاد، جنسیت و یا دین، آنچه بشریت را گرد یک میز جمع می‌کند، سکه زردفام طلاست. حال از مستلزمات گردش کار چنین پدیده سبکباری آن بوده که تمامی متعلقات آن نیز تا جای ممکن کمترین اصطکاک را با تفاوت‌های آدمی داشته باشند. بی‌شک حقوق، از اساسیترین متعلقات و اعضای جداناپذیر تجارت در تمامی اعصار تاریخ بوده و هست. به همین دلیل بایسته است تا ضمن کنترل و تنظیم خوب روابط، انعطاف پذیری در امور حقوقی نیز وجود داشته باشد. مطابق با این فلسفه، لازم است حساسیت‌های کمتری نسبت به قوانین و مقررات داخلی داشته باشیم و نوآوری‌های جهانی را بپذیریم و راحت‌تر از مسائل دیگری مانند احوال شخصیه و یا مقررات جزایی با آن برخورد شود.

از میان مسائل مرتبط با حقوق، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حقوقی تجار، مسائل مربوط به حل و فصل اختلاف است؛ در دهه‌های گذشته، زمانی که عیوب دادرسی در دادگاه برای تاجر مشخص گردید، سعی شد تا برای برطرف‌سازی این امر، شیوه حل و فصل اختلاف دیگری به نام داوری نمو یابد و اصول نوین داوری در همه جای دنیا از جمله ایران مدون شد. حال در عبور از این برهه تاریخ، تاجر سازش<sup>۱</sup> را به عنوان یک روش حل اختلاف با مزایای بسیار بیشتر از داوری پذیرفته‌اند و جامعه‌ی حقوقی در سطح ملی و بین‌المللی نیز مکرراً در واکنش به این استقبال، قواعد خود را به‌روز کرده است. نمونه آن را می‌توان در قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی، آنسیترال، قوانین ملی کشورها و از همه مؤخرتر عهدنامه

---

### 1. Conciliation

سازمان ملل متحد درباره موافقت‌نامه‌های حل و فصل بین‌المللی ناشی از میانجی‌گری<sup>۱</sup> سال ۲۰۱۸ که سودای رسیدن به اهداف عهدنامه شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی نیوریوک<sup>۲</sup> ۱۹۵۸ برای سازش و میانجی‌گری دارد، پیدا کرد.<sup>۳</sup>

با وجود اشاره به اهمیت موضوع و رویه به روز رسانی مداوم مقررات کشورها در این زمینه، در قوانین داخلی ایران اما علی‌رغم پیش‌بینی عقد صلح در قانون مدنی به عنوان عقدی اصیل و مستقل با ماهیت تسالم، همچنان در باب سازش به عنوان روش حل و فصل اختلاف تجاری جای کار دارد؛ به نحوی که اگر طرفین در قرارداد خود و در قسمت حل و فصل آن، تنها سازش را به عنوان روش حل و فصل اختلاف پیش‌بینی کنند، ممکن است در نظم حقوقی حال حاضر کشور، راه به جایی نبرند.

به همین سبب، مقاله حاضر با دغدغه به روزرسانی قوانین مربوط به سازش در ابتدا در قسمت اول سعی در شناخت سازش در دنیای مدرن امروز دارد و پس از نقد و بررسی قوانین فعلی کشور پیرامون سازش در قسمت دوم، با نگاهی تطبیقی، به سراغ ارائه راهکارهای عملی جهت ایجاد یک مقررات‌گذاری نوین در سازش می‌رود.

---

1. United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation

2. United Nations Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards

۳. سازش و میانجیگری تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که در ادامه مقاله به آن پرداخته می‌شود؛ اما در کل طبق نظر گروهی از دکتربین، این دو کلمه بار حقوقی یکسانی با یکدیگر دارند و عهدنامه سنگاپور نیز بر طبق همین نظریه عمل کرده است و با این که عنوان آن به کلمه Mediation که به معنای میانجیگری است، اشاره دارد، اما Conciliation یا سازش را نیز در برمی‌گیرد.

## ۱. شناسایی سازش و جایگاه آن در حل و فصل اختلاف

از بهر تعمیق جایگاه سازش در حل و فصل اختلاف، شایسته است در قدم نخست، جمیع شیوه‌های حل و فصل اختلاف، شناسایی و طبقه‌بندی شوند، آنگاه با تشریح پیدایش سازش و مفهوم آن، جایگاهش میان سایر روش‌های حل و فصل اختلاف تبیین گردد.

### ۱-۱. طبقه بندی روش‌های حل و فصل اختلاف

اختلافات، همزاد آدمی و جزو واقعیات زندگی بشری است. چرا که هر یک از آحاد بشر چشم‌اندازها، منافع و آرمان‌های خود را دارد، از طرز نگرش و انتظاراتی خاصی برخوردار است و بر همین اساس، نگرانی‌ها و منافع هر یک از آن‌ها متفاوت از دیگران است. بنابراین طبیعی است که تعلقات خاص هر یک با تعلقات سایر افراد تداخل نماید و در نتیجه اختلافات پدیدار شوند (درویشی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

بدین سان بدیهی است که در بستر تاریخ، روش‌های مختلفی همگام با حل و فصل اختلاف میان طرفین پدیدار گردد؛ مرسوم‌ترین این روش‌ها عبارتند از مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری و دادگاه. از میان روش‌های مذکور، گروهی به عنوان دادرسی قضایی نام برده شده و گروهی به عنوان دادرسی دیپلماتیک شناخته می‌شوند. در یک دسته بندی جهان شمول، حل و فصل قضایی از طریق دادگاه و اخیراً داوری، در دسته دادرسی قضایی قرار گرفته است و باقی روش‌ها از جمله سازش که موضوع این مقاله قرار دارد، در گروه دادرسی دیپلماتیک قرار می‌گیرند (Goldberg, 1985).

خصیصه مطرحی که حد تمایز میان دادرسی قضایی با دادرسی دیپلماتیک است، آن بوده که حل و فصل اختلاف در دادرسی قضایی منجر به ایجاد تصمیمی الزام آور قانونی از سمت قاضی و یا داور می‌شود و طرفین جز در مقام دفاع از خود، هیچ نقش موثری در تبیین رای نهایی ندارند؛ در صورتیکه در دادرسی دیپلماتیک، عموم مراحل حل و فصل

اختلاف از جمله پذیرش راه حل نهایی، مستلزم نقش و دخالت طرفین است (Galanter, 1983, p.4). در دادرسی دیپلماتیک، نقش افراد در ارائه راه حل نهایی به میزان قابل توجهی پررنگ‌تر از دادرسی قضایی است و مطابق با این شیوه، محکومیت یا بی‌حقی اشخاص یا عدالت و انصاف در اولویت نخست قرار نداشته و چیزی که بر همه امور ارجح است، حفظ روابط میان طرفین در کنار رسیدن به یک نقطه مشترک جهت حل اختلاف با یکدیگر می‌باشد. به همین سبب شایسته است حتی هنگام صحبت درباره روش‌های دیپلماتیک، عوض واژه دعوا از واژه اختلاف استفاده شود.

#### ۱-۲. پیدایش سازش به مثابه دادرسی دیپلماتیک حل و فصل اختلاف

پیش از تعریف سازش، آنچه ضروریست، توجه به تاریخ پیدایش سازش است. هر چند در جوامع مختلفی از جمله جوامع ابتدایی آفریقایی و یا آمریکای مرکزی از گذشته‌ای دور تا به امروز، سازش به عنوان یک شیوه حل و فصل اختلافات به طرق متنوعی مورد استفاده قرار می‌گرفته و صورت‌های متفاوتی از آن حتی امروزه نیز قابل مشاهده است (Barret, 2004, p.2)، اما بایستی اذعان داشت که در طول تاریخ و تا سده اخیر، سازش به آن معنایی که امروزه وجود دارد، استفاده نمی‌شد. به عنوان مثال، در اسلام به این روش بسیار تاکید شده است و در ایران اقدام به اصلاح ذات‌البین، صلح، اصلاح‌گری، آشتی، مصالحه و تصفیه که مشابه روش‌های سازش موضوع این نوشتار هستند، در فرهنگ عرفی جامعه ایران عمیقاً ریشه داشته‌اند؛ اما در خصوص تعریف مشخص آن، چگونگی انجام یا اجرای آنها قواعد منظم و مدونی وجود ندارد (نیکبخت و ادیب، ۱۳۹۵: ۶۱). در نظام حقوقی ایران نیز در مواد ۱۷۸ تا ۱۹۳ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به قواعدی تحت عنوان «سازش» و مواد ۷۵۲ تا ۷۷۰ قانون مدنی ایران، به عنوان «صلح»

اختصاص دارد؛ اما همان طور که در ادامه مقاله بررسی می‌شود، این تعاریف، با تعاریف مدرنی که در نهادهای بین‌المللی از سازش ایجاد گشته‌اند، متفاوت است.

پیدایش سازش (Conciliation) مدرن، مطابق با تعریف و کارکرد مشخص در سطح حقوق بین‌الملل و با عنوان یکی از روش‌های دیپلماتیک حل و فصل اختلاف، به اواخر قرن بیستم برمی‌گردد (Reif, 1990, p.580). کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> (آنسیترال) در چهار دسامبر ۱۹۸۰ اقدام به تدوین قواعد اصلاحگری با عنوان «قواعد اصلاحگری آنسیترال» نمود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.<sup>۲</sup> سپس در سال ۲۰۰۲ قانون نمونه‌ای تحت عنوان «قانون نمونه اصلاحگری تجاری آنسیترال»<sup>۳</sup> تدوین کرد تا در وضع قانون ملی در مورد اصلاحگری مورد استفاده و الگوبرداری کشورهای قرار گیرد و آخرین اصلاحی که آن در زمان نگارش این مقاله در سال ۲۰۱۸ صورت گرفته است. اتاق بازرگانی بین‌المللی<sup>۴</sup> نیز از سال ۱۹۷۵ در قواعد حل و فصل اختلاف خود، قواعد سازش را نیز گنجانده و متعاقباً در سال ۲۰۰۱ قواعد عام‌تری تحت عنوان قواعد «حل و فصل دوستانه دعاوی»<sup>۵</sup> به جای آن معرفی کرد. قواعد اخیر نیز از اول ژانویه ۲۰۱۴ جای خود را به «قواعد میانجی‌گری ۲۰۱۴ اتاق بازرگانی بین‌المللی»<sup>۶</sup> داده‌اند.

- 
1. United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL).
  2. General Assembly Resolution 35/52
  3. Model Law on International Commercial Conciliation of the United Nations Commission on International Trade Law with Guide to Enactment and Use, United Nations, New York, 2002.
  4. International Chamber of Commerce (ICC)
  5. Amicable Dispute Resolution (ADR)
  6. ICC Mediation Rules 2014



### ۱-۳. تعریف سازش و تمایز آن با مفهوم میانجی‌گری

پس از واریسی تاریخ پیدایش سازش مدرن در بخش پیشین، نوبت به تعریف سازش (Conciliation) و تمایز آن با مفهوم میانجی‌گری (Mediation) می‌رسد. تا به اکنون در مجامع بین‌المللی، تعابیر متعددی از سازش و میانجی‌گری صورت گرفته است. برخی اصلاحگری و میانجی‌گری را مشابه دانسته و معتقدند که بدین علت که در هر دو روش غالباً از اصول و آئین مشابهی تبعیت می‌شود، بنابراین این دو اصطلاح به جای هم قابل استعمال می‌باشند (شیروی، ۱۳۸۵: ۴۶). از همین حیث در اسناد بین‌المللی مکرراً واژه Mediation که ترجمه آن میانجی‌گری می‌باشد به نمایندگی از دو مفهوم سازش و میانجی‌گری آورده می‌شود. برای نمونه، کنوانسیون سنگاپور سازمان ملل متحد، در بند ۳ ماده ۲ خود بی‌آنکه اشاره‌ای به سازش نماید، میانجی‌گری را بدین صورت تعریف میکند: «میانجی‌گری به روشی گفته می‌شود که طرفین فارغ از عبارات و اصول دادرسی مورد استفاده، تلاش میکنند تا به حل و فصل دوستانه اختلاف خود برسند و این کار با ارائه راه حل از سوی شخص (اشخاص) ثالثی که فاقد صلاحیت تحمیل اراده خود هستند (میانجیگر) صورت می‌پذیرد.»<sup>۱</sup> بند ۲ ماده یک قانون نمونه اصلاحگری آنسیترال<sup>۲</sup> و بند یک ماده ۳ دستورالعمل میانجی‌گری اتحادیه اروپا<sup>۳</sup> نیز میان واژه اصلاحگری و میانجی‌گری فرقی قایل نشده‌اند. همچنین، ماده ۳ قانون ملی میانجی‌گری سنگاپور

1. "Mediation" means a process, irrespective of the expression used or the basis upon which the process is carried out, whereby parties attempt to reach an amicable settlement of their dispute with the assistance of a third person or persons ("the mediator") lacking the authority to impose a solution upon the parties to the dispute. Article 2(3) in United Nations, United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation. United Nations: New York, 2019.

2. Article 1(2) Application of the Rules in UNCITRAL Mediation Rules, United Nations: Vienna, 2021.

3. See Article 3(a) in Directive 2008/52/Ec of The European Parliament and of The Council Of 21 May 2008. On Certain Aspects of Mediation in Civil and Commercial Matters.

مصوب سال ۲۰۱۷ نیز چنین اشاره دارد که «میانجی‌گری به معنای روشی است که شامل یک یا چند جلسه دادرسی می‌باشد و در آن یک یا چند میانجیگر به طرفین اختلاف کمک میکنند تا همه یا هر یک از موارد زیر را به منظور تسهیل حل و فصل کل یا بخشی از اختلاف انجام دهند: (الف) موضوعات مورد اختلاف را شناسایی کنند؛ (ب) گزینه‌های روی میز طرفین را جستجو و ارزیابی کنند؛ (ج) با طرفین ارتباط برقرار کنند. (د) داوطلبانه به توافق برسند.»<sup>۱</sup> بنا به تعریف دیگر که در عرصه روابط دولت‌ها مطرح شده است، سازش روشی است که در آن شخص یا کمیسیونی که فاقد قدرت سیاسی است صرفاً با برخورداری از اعتماد طرفین، اختلاف را به طور همه جانبه بررسی کرده و راه حل غیرالزام‌آوری را پیشنهاد می‌نماید (Reif, 1990, p.582).

با تجمیع تعاریف مذکور و چنانچه دو مفهوم سازش و میانجی‌گری را یکسان تلقی کنیم، می‌توان سازش و میانجی‌گری را روش‌های حل و فصل اختلاف دوستانه و اختیاری دانست که در آن یک شخص ثالث بدون داشتن نفوذ بیرونی بر طرفین و صرفاً با برخورداری از اعتماد آنها، اختلاف را به طور همه جانبه و با در نظر گرفتن کلیه جنبه‌های حقوقی و غیرحقوقی آن بررسی کرده و با ارائه راه حل‌های غیرالزام‌آور تلاش میکند توافق طرفین نسبت به یک راه حل را جلب نماید. راه حل‌های پیشنهاد شده ممکن است تماماً یا بعضاً حقوقی و منطبق با قانون باشد با این حال، ملاحظات حقوقی هدف اصلی نبوده و حتی ممکن است راه حل پیشنهادی اساساً با راه حل‌های حقوقی اختلاف فی‌مابین همخوانی نداشته باشد، چرا که اولویت و هدف اصلی اصلاحگر یا میانجیگر، حل اختلاف طرفین است (Cot, 1968, p.8).

1. See Article 3 in Mediation Act 2017, The Statutes of the Republic of Singapore. 2020 Revised Edition.

با این همه، با توجه به تعاریف و ادراک رایج از این دو اصطلاح در حقوق ایران و در صورت تمایل به تفکیک این دو مفهوم از یکدیگر، مرز انفصال این دو ماهیت از یکدیگر، میزان دخالت شخص میانجیگر و اصلاحگر می‌باشد. در صورتی که میزان رسمیت و قاعده‌مندی فرایند حل اختلاف زیاد بوده و شخص ثالث فعالانه برای یافتن راه حل و اقناع طرفین به پذیرش آن تلاش نماید، این روش «اصلاحگری» نامیده می‌شود و در صورتی که تشریفات کم و غیررسمی بوده و شخص ثالث صرفاً مذاکره بین طرفین را تسهیل کند تا آنها خود به یک راه حل دست یابند «میانجی‌گری» نامیده می‌شود.

#### ۴. وضعیت سازش در نظام حقوقی ایران

بررسی تاریخچه سازش در ایران را بایستی به دو بخش سازش در فقه و سازش در دوران جدید تقسیم نمود؛ در رابطه با فقه، هر چند در میان احادیث، مواردی بر اهمیت صلح و سازش میان مسلمین به چشم می‌خورد،<sup>۱</sup> لیک بایستی اظهار داشت که صلح مورد اشاره، نتیجه و توافق حاصل از سازش است و قواعد و یا هنجارهایی درباره چگونگی اجرای اصول سازش قابل یافت نیست. با این وجود تتبعی پیرامون آن، می‌تواند از دیدی ماهوی سازش مفید به فایده باشد. در دوران جدید اما، استفاده از سازش به عنوان یکی از روش‌های حل و فصل اختلاف در قوانین و مقررات ایران قابل مشاهده است. قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره یا همان قانون نفت ۱۳۳۶ برای اولین بار در صنعت نفت، در ماده ۲۱۴ از لفظ سازش به عنوان یکی از روش‌های حل و فصل

۱. "أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ". مواظ عددیّه، ص ۱۹ یا "إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ" نامه ۴۷.

۲. ماده ۱۴ قانون نفت ۱۳۳۶ - اختلافاتی که بین شرکت ملی نفت ایران و طرفهای دیگر پیش آید چنانچه از طریق مذاکره دوستانه به نحوی که در هر قرارداد پیش‌بینی خواهد شد رفع نشود از طریق سازش و داوری حل خواهد شد. مقررات مربوط به ارجاع اختلافات به سازش و داوری در هر قرارداد به نحو مقتضی پیش‌بینی می‌گردد.

اختلاف استفاده نمود.<sup>۱</sup> از جمله موارد دیگر استفاده از سازش می‌توان به آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴؛ قانون موافقت‌نامه موقت تشکیل منطقه آزاد تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای عضو مصوب ۱۳۹۸؛ دستورالعمل ساماندهی رسیدگی به پرونده‌های بازار سرمایه ایران مصوب ۱۳۹۹ و در نهایت نیز تصویب‌نامه هیئت وزیران در خصوص مجاز بودن وزارت دادگستری نسبت به امضای عهدنامه سازمان ملل درباره موافقت‌نامه‌های حل‌وفصل بین‌المللی ناشی از میانجی‌گری (عهدنامه سنگاپور) به شماره ۱۰۶۵۶ و مصوب ۱۳/۰۵/۱۳۹۸ اشاره نمود. جدای از قوانین و مقررات فوق که تأکیدشان بر استفاده از سازش بود، قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ با پیش‌بینی تاسیس مکانی جهت سازش ایجاد شد و در ماده یک آن اشاره نموده است که: «به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می‌شوند، تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد.» با این وجود در این قانون به صرف تلاش شورا برای صلح و سازش و تنظیم گزارش اصلاحی در صورت حصول توافق اشاره شده است و بقیه مواد آن راجع به قواعد سازمانی و تشکیلاتی صلاحیت شورا و آیین دادرسی و غیره است.

با این همه، نقطه اصلی مفقودی همچنان واکاوی ماهیت سازش در نظام حقوقی ایران می‌باشد. از این رو لازم است تا در باب تعریف سازش به قوانین مادر، یعنی قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی رجوع نمود. آنچه مورد هدف نگارنده در این بخش است، کشف این حقیقت می‌باشد که آیا قانون مدنی در بخش ماهوی عقد صلح و قانون آیین دادرسی

۱. نکته جالب توجه آنکه که در قوانین نفتی آتی، یعنی قانون نفت مصوب ۱۳۵۳، ۱۳۶۶ و ۱۳۹۰، از سازش به عنوان روش حل و فصل اختلاف، سخنی به میان نیامده است و قانون نفت ۱۳۳۶ تا به اکنون، یگانه قانون صنعت نفت و گاز بوده که سازش را در حل و فصل اختلاف پیش‌بینی نموده است.

مدنی در بخش شکلی آن، توانسته است ظرفیت موجود در سازش را از دید بین‌المللی پوشش دهد یا خیر؟

#### ۴-۱. شناسایی صلح در قانون مدنی و واکاوی امکان به‌کارگیری ماهوی از آن در سازش

عنوان صلح، فصل هفدهم قانون مدنی را ذیل مواد ۷۵۲ تا ۷۷۰ به خود اختصاص داده است. لیکن، در هیچ یک از این مواد، تعریف واضح و روشنی از عقد صلح به عمل نیامده است؛ زین سبب رواست تا براساس فقه امامیه اقدام به تعریف صلح نمود. صلح به معنی آشتی، سازش و حل و فصل می‌باشد که البته مقابل حرب و جنگ آمده است (موسوی خمینی، ۱۴۳۴: ۵۹۷). مشهور فقها در تعریف عقد صلح اظهار داشته‌اند که صلح اصطلاحاً عبارت است از تراضی بر امری، خواه تملیک عین باشد یا منفعت، یا اسقاط دین و یا حق و یا غیر آن (مجدآبادی فراهانی و اصغری، ۱۴۰۱: ۱۲۴).

ضمن مذاقه در مواد فصل هفده، موضوعی که در وهله نخست نمایان می‌گردد، اختلاط دو مفهوم متمایز صلح ذیل یک فصل می‌باشد. قانون مدنی، صلحی که در مقام معامله و یکی از شقوق عقود معین می‌باشد را با صلحی که در مقام رفع تنازع و به عنوان روش حل و فصل اختلاف است، در کنار یکدیگر آورده است و هیچ تلاشی در ترسیم مرز مشخص آن دو از یکدیگر ندارد (احمدوند و مقامی، ۱۴۰۰: ۱۰۱). ریشه چنین اختلاطی در لزوم یا عدم لزوم وجود یا احتمال بروز نزاع قبل از انعقاد صلح قابل بررسی است. مطابق با نظر عده قلیلی از فقها (موسوی خمینی، ۱۴۳۴: ۱۸۴) و نظام حقوقی مصر و فرانسه (منصوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۵)، نقش نزاع در انعقاد عقد صلح، نقشی محوری و اساسی است، با این حال نظر مشهور فقهای امامیه بر آن است که وجود نزاع در انعقاد عقد

صلح شرط نیست. برای رفع چنین نزاعی بایسته است موضع قانون مدنی در رابطه با آن روشن گردد.

در ابتدای فصل مرتبط با صلح در قانون مدنی، ذیل ماده ۷۵۲ اشاره می‌گردد که «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود.» از چنین تعریفی آن‌طور بر می‌آید که قانون مدنی نیز نظری مشابه با نظام حقوقی فرانسه و مصر داشته و انعقاد عقد صلح را لزوماً در مورد نزاع موجود یا محتمل کاربردی می‌داند. با این وجود، برخی از نویسندگان بر این باورند که کلمه «یا» در متن اصلی ماده ۷۵۲ سهواً جا افتاده است و از همین رو در قانون مدنی مصحح استادان حقوق در ماده ۷۵۲ بجای عبارت «جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله» کلمه «یا» اضافه شده و عبارت به صورت «تنازع احتمالی یا در مورد معامله» نقل شده است ((منصوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۰).

به هر صورت چه بر مبنای فکری افتراق عقد صلح و وجود نزاع (نظر مشهور فقها) پافشاری کرد و چه مانند نظام حقوقی فرانسه و مصر و منطوق قانون مدنی، قائل به وجود نزاع جهت شکل‌گیری عقد صلح شد؛ آنچه مورد تایید اکثر فقهای متأخر و معاصر است آن بوده که مُنشأ در عقد صلح، تسالم و تراضی است (نایینی، ۱۳۷۳: ۳۴). هر چند در همه عقود تسالم و تراضی وجود دارد اما، در سایر عقود، مُنشأ که ماهیت یک عقد است و معیار تمایز آن از سایر عقود تجلی می‌یابد، امر دیگری است. به عنوان مثال، در عقد بیع منشأ، تملیک عین به عوض است و در اجاره، مورد انشاء واقع می‌شود به تملیک منفعت به عوض. سخن کوتاه آنکه وجود چنین اعتباری در جوهره صلح، آن‌هم در قالب یک عقد لازم (ماده ۷۶۰ قانون مدنی)، بدین معناست که فقه اسلامی از لحاظ ماهوی، بستری برآزنده برای به‌کارگیری سازش مهیا نموده است که علاوه بر حل و فصل اختلافات موجود و یا احتمالی، خود به عنوان عقدی اصیل و مستقل محسوب می‌گردد که می‌تواند با در نظر گرفتن مفهوم

و ماهیت تسالم، ثمره بسیاری از عقود را بدون آنکه تشریفات و محدودیت‌های عقود مذکور را به دنبال داشته باشد به بار می‌آورد (عالی‌پناه و زیار، ۱۳۹۶: ۹۲)؛ منتها آنچه همچنان نابالغ است چگونگی به کارگیری احکام سازش است که در بخش بعدی و بررسی آیین دادرسی مدنی بدان پرداخته می‌شود.

#### ۲-۴. شناسایی سازش در آیین دادرسی مدنی و واکاوی امکان به کارگیری شکلی از آن در سازش

فصل نهم آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی ایران در قالب دو مبحث، سازش و نحوه درخواست آن را پوشش داده است. طبق ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی طرفین می‌توانند در هر مرحله‌ای از دادرسی، دعوی خود را از طریق سازش خاتمه دهند.<sup>۱</sup> از همین رو، سازش ممکن است قبل از تحقق دعوا، بعد از آن و یا حتی خارج از فرایند دادگاه<sup>۲</sup>، به وقوع بپیوندد (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۳). در صورت درخواست سازش قبل از اقامه‌ی دعوا، قانون آیین دادرسی مدنی چنین پیش‌بینی نموده است که یکی از طرفین اختلاف می‌تواند از دادگاه درخواست نماید تا نقش واسطه را داشته باشد و مشکل و اختلاف میان طرفین با وساطت دادگاه فیصله یابد و طرفین به توافق برسند. روند رسیدگی بدین نحو است که طرفین به دادگاه دعوت می‌شوند و در نامه‌ی دادگاه بایستی دعوت خوانده به سازش قید شود.<sup>۳</sup> مرجع درخواست سازش

۱. توضیح آنکه منظور از مرحله، مرحله بدوی و تجدیدنظر می‌باشد ولی در مرحله فرجامی سازش امکان ندارد چراکه رسیدگی ماهوی صورت نمی‌گیرد (عالی‌پناه و زیار، ۱۳۹۶: ۷۳).

۲. در رابطه با سازش خارج از فرایند دادگاه می‌توان به سازش در مراجع سازش، هیئت حل اختلاف، جریان داوری، دفتر اسناد رسمی و یا سازش به صورت کدخدا منشانه اشاره نمود. نکته قابل توجه آنکه آیین دادرسی مدنی هیچ اشاره‌ای به سازش خارج از فرایند دادگاه ندارد.

۳. ماده ۱۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی

دادگاه نخستین است، درخواست باید کتبی بوده و در دفتر ثبت دادخواست‌های دفتر کل ثبت شود. این درخواست در دو نسخه تنظیم شده و نسخه‌ای از آن به خواننده ابلاغ می‌گردد و هزینه‌ی این درخواست برابر دعاوی غیر مالی است. طرف احضار شده برای سازش می‌تواند از حضور در دادگاه استنکاف نماید یا کتباً اعلام کند که حاضر به سازش نیست و چنین دعوتی را نپذیرد یا اینکه در دادگاه حاضر شود اما از سازش خودداری نماید. در صورتیکه طرفین حاضر به سازش نباشند، دادگاه آنها را به اقامه‌ی دعوا راهنمایی میکند. در صورت وقوع صلح و سازش بین طرفین دعوا، قرارداد سازش عقدی لازم تلقی می‌شود به این معنی که طرفین ملزم به رعایت آن هستند و هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند چنین سازشی را فسخ کند مگر در مواردی که قانون مشخص کرده است.

قسم دوم، سازش بعد از تحقق دعواست و منظور زمانی است که دعوا در دادگاه اقامه شده است اما طرفین مایل هستند که اختلاف خود را با سازش و توافق پایان دهند.<sup>۱</sup> اگر چنانچه خواهان به منظور اعمال حق دادخواهی خود و صدور رای مقتضی به دادگاه مراجعه کند، در این صورت نزاع و اختلاف وارد مرحله دعوی شده است، در این مرحله اگر طرفین به هر دلیلی نسبت به خواسته دعوی با یکدیگر به مصالحه و سازش رسیدند، سازش‌نامه‌ای بر مبنای توافق طرفین توسط قاضی تنظیم می‌شود. در این حالت سازش در حضور قاضی انجام می‌شود و بر مبنای آن، گزارش اصلاحی توسط قاضی محکمه تنظیم و صادر می‌گردد (طهرانچیان، ۱۳۹۷: ۸۲).

انتقادی که به هر دو حالت فوق از سازش در قانون آیین دادرسی مدنی وارد می‌شود آن است که طرفین بایستی درخواست سازش خود را در همان دادگاه و همان قاضی‌ای که صلاحیت رسیدگی قضایی به پرونده را دارد مطرح کنند که این موضوع در تضاد با ماهیت سازش به دلایل آتی‌الذکر قرار می‌گیرد. در رسیدگی قضایی اصل بر آن است که قاضی

۱. ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی



نباید به دنبال ادله باشد و فقط در طی یک رسیدگی توافقی، به آن میزان ادله‌ای که طرفین مطرح می‌کنند اکتفا کرده و بر اساس آن رای دهد؛ در صورتی که در رسیدگی از طریق سازش، اصلاحگر بایستی به تبع ماهیت سازش میان طرفیت به یک نقطه اشتراک برسد تا بتواند یک راه حل عملی را پیدا کند و در این راستا بایستی سعی در کشف حقایق و ادله‌های موجود در طرفین کند. از طرفی دیگر طرفین اختلاف هنگامی که سازش را انتخاب می‌کنند، عموماً خواستار پایان اختلاف میان خود و رسیدن به یک صلح جهت ادامه رابطه خود هستند و در این راستا ممکن است، برای رسیدن به چنین چیزی از بخشی از حقوق خود صرف نظر کرده یا حتی ادله‌ای را بر علیه خود به شخص سازشگر ارائه دهند تا نظر طرف مقابل را برای ادامه همکاری به دست آورند، در صورتیکه همین کار در سیستم قضایی به عنوان یک اقرار علیه خود شناخته می‌گردد و طرف مقابل می‌تواند به راحتی و به عنوان مستحکم‌ترین دلیل خود به آن اشاره کند، بدون آن که از ادعای خود بکاهد. بنابر دو دلیل اشاره شده، ترکیب میان رسیدگی قضایی و سازش باعث می‌شود که طرفین از ترس این که ممکن است سازش به سرانجام نرسد، با اصلاحگر خود که همان قاضی پرونده می‌باشد هیچ همکاری مثبتی نداشته باشد.

مورد دیگری که به عنوان انتقادی بر عملکرد سازش در قانون آیین دادرسی مدنی مطرح می‌گردد این است که برخلاف بند ۱ ماده ۵ قانون نمونه آنسیترال که وجود حداقل یک سازشگر را در روند سازش ضروری دانسته است، در حقوق ایران وجود سازشگر به عنوان رکن اصلی سازش محسوب نمی‌گردد (عالی‌پناه و رضی، ۱۳۹۶: ۸۶)؛ همان‌طور که از تعاریف آنسیترال و اتاق بازرگانی بین‌المللی بیان شد، فرد اصلاح‌گر یک شخص ثالث است که با در نظر گرفتن کلیه جنبه‌های حقوقی و غیر حقوقی اختلافات را به طور همه جانبه بررسی کرده و سعی در ارائه راه حل و تلاش برای کسب توافق طرفین می‌کند؛ در صورتیکه در سازش که در آیین دادرسی مدنی مطرح شده، هیچ پیش‌بینی‌ای جهت اقدامات و

عملکرد قاضی مترتب نشده است و عملاً روند کار بدین صورت است که گویا آیین دادرسی مدنی به جای سازش، مفهوم میانجی‌گری را تداعی میکند زیرا طرفین بدون دخالت موثر نقش ثالث صرفاً در بستر دادگاه اقدام به توافق و حل اختلافات خود میکنند بدون آن که قاضی پرونده موظف به وظایفی باشد که یک شخص ثالث در روش حل و فصل اختلاف سازش بایستی به آن عمل کند.

### ۵. ارائه چشم‌اندازی جامع از مقررات‌گذاری مطلوب پیرامون سازش

در این بخش با توجه به یافته‌های موجود در نظام‌های حقوقی و قواعد و مقرراتی همچون قانون نمونه آنسیترال، اتاق بازرگانی بین‌المللی پاریس، دستورالعمل اتحادیه اروپا و عهدنامه سنگاپور، کوششی در ارائه چشم‌اندازی جامع از مقررات‌گذاری مورد نیاز است.

#### ۵-۱. شناسایی موافقت‌نامه سازش

نخستین موردی که بایستی در مقررات‌گذاری به آن توجه شود، شناسایی و تعریفی جامع از یک موافقت‌نامه صحیح سازش است. فارغ از شرایط عمومی صحت قرارداد، قانون ملی سنگاپور در بند ۴ ماده ۴ خود نکات در خود توجهی را پیرامون صحت یک موافقت‌نامه سازش مطرح کرده است.<sup>۱</sup> مطابق با بند یک این قانون، طرفین مخیرند توافق کنند که کل و یا بخشی از اختلافات خود را به سازش ارجاع دهند. موافق با چنین ابتکاری، طرفین آزادی کامل دارند تا بخشی از اختلافات خود را به دادگاه و یا داوری و بخشی دیگر را به سازش ارجاع دهند. نکته کارآمد این دوراندیشی آن است که افراد ممکن است تنها به دلیل بخش اندکی از اختلافات غیرقابل سازش، خود را از مجموع مزایای سازش محروم سازند؛

1. Article 4(4) in Mediation Act 2017, The Statutes of the Republic of Singapore, 2020 Revised Edition.

در حالیکه با تقسیم کل اختلاف به اجزاء کوچک‌تر، بخش‌های قابل ارجاع به سازش تفکیک شده و از مزایای سازش بهره گرفته می‌شود. از جمله موارد دیگر آن که مقررات‌گذار بایستی در رابطه با کتبی و یا شفاهی بودن موافقت نامه تعیین تکلیف کند و مشخص شود که آیا توافق نامه تنها در صورت کتبی بودن معتبر است و یا توافق شفاهی نیز مورد قبول است. همچنین لازم است گستره تعریف کتبی بودن مشخص شود و شایسته است به موافقت نامه‌های ایجاد شده توسط داده‌های الکترونیک نیز به اقتضاء جهان امروز به قانون تجارت الکترونیک ایران استناد شود. استقلال شرط سازش در صورتیکه ذیل موافقتنامه اصلی آمده باشد نیز از جمله دیگر موارد مورد نیاز پیش بینی قانون‌گذار است.

#### ۵-۲. نحوه انتصاب، اوصاف و وظایف سازشگر

گفته شد مطابق بند ۱ ماده ۵ قانون نمونه آنسیترال وجود حداقل یک سازشگر در روند سازش ضروری است<sup>۱</sup> و طرفین مخیرند علاوه بر انتخاب خود، انتصاب سازشگر را به شخصی ثالث (نظیر یک سازمان) واگذار نمایند (مطابق با بند ۳ ماده ۵ قانون نمونه)؛ این در حالی است که در حقوق ایران وجود سازشگر به عنوان رکن اصلی سازش محسوب نمی‌گردد و به تبع آن، قانون‌گذار توجهی به اوصاف سازشگر نداشته است. لیک، همان‌گونه که در انتقاد به یکسان بودن شخصیت سازشگر با قاضی اشاره شد؛ (رجوع کنید به بخش ۲/۳). قانون‌گذار بایستی ابعاد شخصیتی سازشگری مستقل را مورد توجه قرار دهد. براینند پذیرش وجوب رکن سازشگر تبعاً زمینه‌ساز پرسش‌هایی ازین قبیل می‌گردد که یک سازشگر بایستی واجد چه اوصافی باشد؟ به عنوان مثال آیا سازشگر باید الزاماً تحصیل کرده رشته حقوق باشد؟ مطابق آنچه فی‌الحال در آزمون‌های مرکز توسعه حل اختلاف قوه

۱. مگر آنکه طرفین به تعداد دو یا بیشتر سازشگر توافق کنند.

قضایه برای دریافت پروانه میانجی‌گری وجود دارد، تنها متقاضیانی که در رشته‌های حقوقی، فقهی، علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره و مددکاری تحصیل نموده‌اند توانایی شرکت در آزمون و کسب پروانه مذکور را دارند.<sup>۱</sup> چنین محدودیتی به نظر می‌رسد با ماهیت سازش می‌تواند در تضاد باشد. زیرا همان‌طور که گفته شد ماهیت سازش چه از دید بین‌المللی و چه از دید فقهی، رسیدن به تسالم و صرف حل اختلاف است و چه بسا در این زمینه مهندسیین خبره در موضوعی فنی بتوانند شایسته‌تر از فردی حقوقی طرفین را به حل اختلاف و از سرگیری رابطه تجاری خود سوق دهند. از همین روی، اصولاً در هیچ‌یک از قواعد بین‌المللی، لزوم تحصیلات آکادمیک سازشگر از اساس مطرح نمی‌گردد و تنها چیزی که مورد توجه قرار گرفته است، صفت بی‌طرفی<sup>۲</sup> و استقلال<sup>۳</sup> سازشگر است.

حال در باب اینکه استقلال و بی‌طرفی به چه معناست و چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، نویسندگان متعددی سخن گفته‌اند (اسدی نژاد، ۱۳۹۱: ۴)؛ ماحصل چنین نوشتارهایی که عمدتاً پیرامون داوری تمرکز دارد و می‌تواند به سازش نیز تعمیم یابد آن است که بی‌طرفی نوعی عدم وابستگی درونی و روانی سازشگر به طرفین بوده، در حالیکه استقلال بیشتر جنبه عینی داشته و عواملی مانند رابطه استخدامی سازشگر با یکی از طرفین، از جمله خصیصه‌های مطرح عدم استقلال است. در هر صورت، بند ۵ ماده ۵ قانون نمونه آنسیترال، بدون توصیف این دو واژه و ذکر تفاوت‌های آن دو، بیان می‌دارد که شخص سازشگر از زمان انتصابش و در طول روند سازش، باید هر اوضاع و احوالی را که موجب از

1. <https://www.ekhtebare.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%B7-%D9%88-%D9%86%D8%AD%D9%88%D9%87-%D8%AF%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%81%D8%AA-%D9%BE%D8%B1%D9%88%D8%A7%D9%86%D9%87-%D8%A8%D8%A7-%D8%A2%D8%B2%D9%85%D9%88%D9%86-%D8%AF%D8%A7%D9%88/>

(مراجعه شده در تاریخ ۱۹/۱۰/۱۴۰۲)

2. Impartiality

3. Independence

بین بردن بی‌طرفی و یا استقلال او می‌شود بدون تاخیر به طرفین فاش کند مگر آنکه طرفین از قبل توسط وی، از آن اوضاع و احوال مطلع شده باشند.

پس از شرح اوصاف سازشگر، اینک پاسخ به آنکه یک سازشگر در طول فرایند سازش چه وظایفی دارد، جای تامل و بحث دارد، گروهی از نویسندگان وظایف سازشگر را بدین شرح تبیین نموده‌اند:

در گام نخست سازشگر بایستی بی‌اعتمادی میان طرفین اختلاف را رفع نماید؛ سپس مسائل مورد اختلاف را تشخیص داده و در ارائه پیشنهاد و گزینه‌های گوناگون برای حل و فصل اختلاف خلاقیت داشته باشد؛ آنگاه پیشنهادات خود را با طرفین در میان گذاشته و از طریق مذاکره میان طرفین، پیشنهادات را جرح و تعدیل نماید تا جایی که بتواند پیش‌نویس سازش‌نامه را با کمک طرفین تهیه نماید؛ با درج مذاکرات روی کاغذ و گرفتن امضا طرفین، سازش‌نامه مهیا می‌گردد و در گام واپسین، بایستی تکلیف پرونده در مراجع داورى و یا قضایی (در صورت وجود) را تعیین نموده و روند اجرا سازش‌نامه (و اصلاح آن در صورت نیاز) را پی‌گیری نماید. (شیروی، ۱۳۹۱: ۴۹۳).

### ۵-۳. تاسیس یک سازمان مستقل

جدای از سازش به صورت موردی؛<sup>۱</sup> تاسیس یک سازمان و دیوان مستقل برای سازش یکی از علل ترویج این روش برای افراد در رجوع به آن برای حل و فصل اختلافات تجاری خود است. برای روشن‌تر شدن موضوع می‌توان به مراحل که داورى در طول زمان برای سازمانی شدن خود در کشور طی کرد اشاره کرد؛ در سال ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی، قانون تشکیل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران را تصویب نمود و پس از آن و در بستر همان اتاق در سال ۱۳۸۰ قانون اساسنامه مرکز داورى اتاق ایران توسط مجلس شورای

---

1. Ad-hoc

اسلامی تصویب شد. این مصوبات باعث مشروعیت داوری سازمانی در کشور شد که به ترویج آن میان افراد برای امور تجاری کمک زیادی کرد و امروزه مرکز داوری اتاق ایران می‌تواند سازمان داوری مطرح با پشتوانه قانونی باشد و تجار در قراردادهای خود عموماً اختلافات خود را به این سازمان ارجاع دهند.

با توجه به اینکه در حال حاضر همان مرکز داوری اتاق بازرگانی قواعدی جهت میانجی‌گری تنظیم کرده است که طرفین می‌توانند برای حل اختلافات خود به آن مرکز مراجعه کنند. اما وجود تفاوت‌های اساسی سازش و داوری موجب ورود خدشه به استقلال سازش می‌گردد.

ایجاد سازمانی مستقل برای سازش در سطح جهانی و به دلیل اهمیت روزافزون سازش در مقابل دیگر روش‌های حل و فصل اختلاف تا حدودی مرتفع شده است، به عنوان مثال اتاق بازرگانی بین‌المللی پاریس که یکی از مطرح‌ترین نهادهای خصوصی برای اشخاص در حل و فصل اختلافات تجاری خود در سطح بین‌المللی است، علاوه بر مرکز داوری خود که برای سالیان زیادی میزبانی داوری اختلافات تجار بوده است؛ در راستای ترویج سازش، نهادی مستقل با نام مرکز بین‌المللی اتاق بازرگانی بین‌المللی برای دعاوی دوستانه<sup>۱</sup> تشکیل داده است که این امر مهر تاییدی بر ضرورت ایجاد یک سازمان مستقل برای سازش در قوانین داخلی کشور می‌باشد.

پیش‌بینی سازمان‌های مستقل میانجی‌گری در قانون ملی سنگاپور ذیل ماده ۷ نیز پیش‌بینی شده است و به نخست‌وزیر اجازه داده شده است تا با رعایت شرایط و ضوابطی که مقتضی می‌داند به اشخاص و موسسات ارائه‌دهنده خدمات، گواهی تایید شده برای ثبت

---

1. ICC International Centre for Amicable Dispute Resolution.

قانونی فعالیتشان اعطا نماید. لازم به ذکر است که چنین اطلاعیه‌هایی لازم است در روزنامه منتشر شود.<sup>۱</sup>

#### ۴-۵. تخصیص سازش به اختلافاتی با ماهیتی تجاری بین‌المللی

برای آن که بتوان از تمام پتانسیل موجود در سازش استفاده کرد و کمترین میزان اصطکاک با قوانین آمره و نظم عمومی کشور را داشت، بایستی دامنه تعریف و محدوده مقررات‌گذاری را مشخص کرده و آن را تنها به اختلافات ناشی از امور تجاری تخصیص داد. همان‌طور که در ماده ۱ قانون نمونه آنسیترال در باب محدوده قانون مطرح شده است: «این قانون در مورد سازش تجاری بین‌المللی اعمال می‌شود.»<sup>۲</sup> و در رابطه با محدوده تجاری، پانویس قانون اشاره دارد که «صطلاح تجاری باید تفسیر موسعی داشته باشد تا اختلافات ناشی از همه روابط تجاری، اعم از قراردادی یا غیر قراردادی را پوشش دهد.» همچنین به موجب بند ۴ و ۵ ماده ۱ قانون نمونه، یک سازش زمانی بین‌المللی است که یا در زمان انعقاد قرارداد، محل کسب‌وکار طرفینی که توافقی بر سر سازش دارند، در کشورهای متفاوت باشد؛ و یا این‌که کشوری که محل کسب‌وکار طرفین در آن قرار دارد، با محل اجرای قرارداد و یا با محل موضوع مورد اختلاف متفاوت باشد. از همین‌رو، قانون‌گذار بایستی ابتدا محدوده سازش را به اختلافات تجاری بین‌المللی محدود کند و پس از آن اشاره کند که مقصود از روابط تجاری چیست؛ همچنین ادعاهای راجع به اموال عمومی و دولتی در پرتو رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی و نیز شمول دعوی عمومی، دعوی ورشکستگی و... بایستی تعیین تکلیف شوند (عالی‌پناه و زیار، ۱۳۹۶: ۷۳).

---

1. See Article 7 in Mediation Act 2017, The Statutes of the Republic of Singapore. 2020 Revised Edition.  
2. Article 1 in Model Law on International Commercial Conciliation of the United Nations Commission on International Trade Law with Guide to Enactment and Use, United Nations, New York, 2002.

### ۵-۵. امکان استفاده از راه حل‌های تجاری برای اختلافات تجاری

در دادرسی قضایی که از طریق دادگاه یا رسیدگی که در داوری صورت می‌گیرد، رای حاصله بایستی با پیروی از احکام حقوقی نوشته شود و نتیجه این نوشتار حقوقی عموماً بدین نحو است که یکی از طرفین به عنوان محکوم علیه و دیگری به عنوان محکوم له شناخته می‌شوند و راه حل‌های موجود به چند روش محدود از جمله اجبار محکوم علیه به انجام محکوم به و یا ایجاد حق فسخ برای محکوم له می‌رسد. در صورتیکه در سازش می‌توان به دلیل مباحث فنی و تجاری و با کمک‌گیری از اصلاحگر با تجربه از رای‌های متنوع‌تری که از محوریت حقوقی جدا هستند بهره برد و به راه حل‌های تجاری برای اختلافات تجاری رسید.

### ۵-۶. تبیین اختیاری بودن

اختیاری بودن سازش را عده‌ای به عنوان پاشنه آشیل در سازش به عنوان یک روش حل و فصل اختلاف مستقل و کافی تلقی کرده و از آن نتیجه‌گیری میکنند که سازش همیشه بایستی به همراه دادرسی دادگاهی یا داوری آمده و هیچ‌گاه نمیتواند به صورت مستقل بیاید. در پی بررسی این موضوع ابتدا لازم است مراحل حل و فصل اختلاف را به بازه‌های زمانی متفاوتی تقسیم کرد.

از زمانی که طرفین رابطه تجاری خود را با یکدیگر از طریق ایجاد قرارداد کتبی یا شفاهی شروع کرده و تا زمان بروز اختلاف میان یکدیگر، انتخاب تمامی روش‌های حل و فصل اختلاف به جز دادگاه برایشان اختیاری است و در این مورد فرقی میان سازش و یا داوری و دیگر روش‌ها وجود ندارد. بازه دوم، زمانی است که طرفین در قالب قرارداد یا به صورت عملی روش حل اختلاف خود را مشخص میکنند، در این حالت میان داوری و سازش تفاوت زیادی وجود دارد، زیرا در داوری به محض مشخص شدن رضایت طرفین در ارجاع



دعوا به داوری دیگر نمیتوانند از ارجاع خود پشیمان شده و آن را باز پس گیرند، در صورتیکه در این بازه زمانی، و در طول سازش طرفین اختیار کامل دارند که در هر مرحله از سازش انصراف داده و خواسته خود را از طریق دیگری پی‌گیری کنند؛ و در بازه سوم که آخرین مرحله از حل اختلاف یک رابطه تجاری است، زمانی است که نتیجه نهایی حکم چه در قالب رای (در دادرسی دادگاهی یا داوری) و چه در قالب سازشنامه (در سازش) صادر می‌شود. در این مرحله، انتقادی که به سازش وارد می‌شود آن بوده که سازش نامه حاصله فاقد ضمانت اجراست و به دلیل اختیاری بودن آن، طرفین مخیر هستند آن را اجرا کنند یا از اجرای آن سر باز زنند؛ از همین روی نخستین مواجهه به چنین پدیده‌ای این است که این توافقات بایستی در یک دفتر اسناد رسمی نوشته شود<sup>۱</sup> یا این که با مراجعه به دادگاه و ارائه توافق طرفین به دادگاه درخواست صدور گزارش اصلاحی صورت بگیرد،<sup>۲</sup> یا حتی طرفین با مراجعه به دیوان داوری درخواست تنظیم و ابلاغ در قالب رای داوری بدهند.<sup>۳</sup> در این صورت، رأی مذکور که مفاد آن در قالب اصلاحگری مورد توافق قرار گرفته است همانند هر رأی داوری دیگری الزام‌آور بوده و به اجرا در خواهد آمد.<sup>۴</sup>

اما چیزی که به نظر می‌رسد این است که این‌گونه راه حل‌ها بیشتر باعث وابستگی سازش به دادرسی قضایی یا داوری می‌گردند و تأکیدی بر صحت نقد وارده به سازش به عنوان یک روش حل اختلاف غیرمستقل میکنند، کما اینکه پیرو نظریه غالبی که در حال حاضر وجود

۱. با استناد به مواد ۱۲۸۷ و ۱۳۱۰ قانون مدنی.

۲. با استناد به مواد ۱۸۳ و ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی.

۳. با استناد به ماده ۲۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶.

۴. در باب اینکه گزارش اصلاحی در حکم رای بوده و یا در قالب یک عقد صلح قرار می‌گیرد اختلاف نظر وجود دارد؛ لیک مطابق دادنامه شماره ۱۳/۳۶۳۰ شعبه ۴۸ دادگاه عمومی مشهد که به تایید دادگاه تجدیدنظر نیز درآمد، گزارش اصلاحی در حکم رای دادگاه تعریف شده است (عالی‌پناه، رضی، ۱۳۹۶: ۷۹ تا ۸۱).

دارد طرفین عموماً سازش را میان دادرسی قضایی خود قرار می‌دهند و در قالب‌هایی مانند داوری-سازش-داوری یا حتی دادگاه-سازش-دادگاه اختلافات خود را حل می‌کنند. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود ضمن تفکیک مراحل حل و فصل اختلاف از یکدیگر، قانون‌گذار بتواند تدابیری را فراهم سازد تا سازش‌نامه نوشته شده میان طرفین، به خودی خود و کاملاً مستقل از ارجاع طرفین به داوری یا دادگاه، قابلیت اجرایی داشته باشد.

### ۵-۷. الزام شناسایی و اجرای سازش‌نامه ناشی از سازش

در بخش تبیین اختیاری بودن سازش اشاره شد که آنچه در حال حاضر در ایران میان اشخاصی که به سازش رجوع می‌کنند عرف است، ترکیب سازش با دادگاه، داوری یا ارجاع به دفتر ثبت اسناد می‌باشد و دلیل آن، نبود وجهه الزام آور سازش‌نامه حاصل از سازش و بیم از عدم ایفای تعهد طرفین ناشی از نتیجه سازش می‌باشد. این موضوع یکی از دیگر معضلاتی است که در داوری چه در سطح جهانی و چه در سطح داخلی برطرف گردیده است. در سطح جهانی عهدنامه ۱۹۵۸ نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، بر اجرای رای حاصله از داوری مشروعیت بخشیده و تمامی اعضای این عهدنامه را مجبور به پذیرش این آرا کرده است. در سطح داخلی نیز آیین دادرسی مدنی در باب هفتم مربوط به داوری، رای داوری را، الزام‌آور دانسته و محکوم له به صرف ابراز رای می‌تواند تقاضای اجرای حکم آن را از دادگاه داشته باشد.

همین میزان از اجرا رای داوری، در مورد سازش‌نامه حاصل از سازش نیز جهت افزایش میزان استفاده اشخاص از آن، در قوانین ایران به شدت حس می‌گردد. نکته مهم آنکه همانند سازش سازمانی که در بخش پیشین مطرح شد، در این مورد نیز در سطح جهانی چنین مسئله‌ای ادراک شده و جامعه حقوقی سعی در برطرف کردن آن نموده است. فلسفه تصویب عهدنامه سنگاپور ۲۰۱۸، دنبال کردن همان مسیری است که عهدنامه نیورک در

سال ۱۹۵۸ در مورد داوری آن را پیمود و هدف آن الزام آور بودن سازش‌نامه‌های ناشی از سازش و میانجی‌گری می‌باشد. لازم به ذکر است، با پیوستن کشور جمهوری اسلامی ایران به این عهدنامه در تاریخ ۷ آگوست ۲۰۱۹ در جهت موضوع شناسایی و اجرای سازش‌نامه ناشی از سازش در امور تجاری بین‌المللی پیش رفته است؛ با این وجود جای خالی آن در قوانین داخلی همچنان حس می‌گردد.

#### ۵-۸. برگزاری جلسات خصوصی اصلاحگر و رعایت نکردن اصول توافقی دادرسی قضایی

شیوه برگزاری جلسات دادرسی یکی دیگر از نکات مهم در روش حل و فصل اختلاف در سازش است که در هیچ یک از مقررات داخلی به آن اشاره نشده است. همان‌طور که هدف اصلی سازش رسیدن به یک نقطه مشترک برای طرفین است، اصلاحگر بایستی جهت ارائه راه حل نهایی، خود فعالانه پای سخنان هر یک نشسته تا بتواند یک راه حل مشترک را کشف کند و این کار را باید حتی در صورت لزوم با برگزاری جلسات خصوصی و به صورت جداگانه انجام دهد؛ طبیعتاً این شیوه در نقطه مقابل روش دادرسی قضایی که در دادگاه یا داوری وجود دارد، می‌باشد؛ در دادرسی قضایی، قاضی یا داور وظیفه‌ای به کشف ادله نداشته و حتی نباید به صورت فعال دخالتی در کمک به طرفین جهت ارائه ادله خود کند و به اقتضا دادرسی قضایی وظیفه‌ای هم در ارائه راه حل مشترک میان طرفین نداشته و در یک حالت معمول حکم به محکومیت یکی از طرفین و یا بی‌حقی طرف دیگر می‌دهد. به همین دلیل نحوه برگزاری جلسات دادرسی در سازش بایستی به تبع تفاوت آن از دادرسی قضایی فرق داشته باشد و در مقررات‌گذاری این امر خطیر پیش‌بینی شده و حدود و تعداد برگزاری این جلسات مشخص گردد.

## ۵-۹. حفظ محرمانگی

گفته شد افرادی بیشتر تمایل به حل و فصل اختلافات خود از طریق سازش دارند که خواهان ادامه یافتن روابط تجاری خود با یکدیگرند. یکی از مشکلاتی که در دادرسی قضایی و رای‌های دادگاه و حتی داوری وجود دارد این است که پس از محکومیت و خاتمه رابطه قراردادی طرفین، محرمانگی میان رابطه تجاری طرفین به درستی حفظ نمی‌شود؛ زیرا طبق رای که شخصی محکوم می‌شود و مالی را از دست می‌دهد و شخص محکوم له غالباً باید با اجبار دنبال اجرای رای خود و توقیف اموال محکوم علیه برود، معمولاً حفظ محرمانگی در اولویت بسیار پایینی برای طرفین قرار می‌گیرد. در صورتیکه اساس میانجی‌گری بر مبنای همکاری طرفین و رسیدن به نقطه اشتراک بنا شده است و طبیعتاً محرمانگی به مراتب بهتر و بیشتر میان آن‌ها صورت می‌پذیرد. به همین سبب، یکی از انگیزه‌هایی که می‌تواند تجار را به استفاده از روش اصلاح‌گری ترغیب نماید حفظ اسرار ارزشمند تجاری است (نیکبخت و ادیب، ۱۳۹۵: ۷۱).

با این حال، با وجود آنکه اصل بر رسیدگی محرمانه در روش سازش است اما بایستی استثنائاتی نیز قائل شد. مطابق با دستورالعمل اتحادیه اروپا اصل بر حفظ محرمانگی می‌باشد و هیچ شخصی از جمله میانجیگر حق افشای اسناد حاصله را ندارد مگر آنکه: (الف) در مواردیکه این امر برای ملاحظات اساسی نظم عمومی کشور عضو مربوطه ضروری است، به ویژه هنگامی که برای تضمین حمایت از بهترین منافع کودکان یا جلوگیری از آسیب رساندن به تمامیت جسمی یا روانی یک فرد لازم باشد؛ و یا (ب) در مواردی که افشای محتوای توافقنامه ناشی از میانجی‌گری به منظور اجرا یا اجرای آن توافق ضروری است. قانون ملی سنگاپور نیز در ماده ۹ خود ضمن به رسمیت شناختن محرمانگی میانجی‌گری، مواردی مانند موارد فوق را از استثنائات خود بر می‌شمارد.<sup>۱</sup>

1. Article 9 in Mediation Act 2017, the Statutes of the Republic of Singapore, 2020 Revised Edition.

## ۵-۱۰. عدم قابلیت استناد اسناد و ادله سازش در سایر روش‌ها

یکی دیگر از تدابیری که لازم است به طور کامل پیش‌بینی شود بحث عدم قابلیت استناد به اسناد و ادله مطروحه طرفین در سایر رسیدگی‌ها می‌باشد و این موضوع از فلسفه اصلی سازش نشئت می‌گیرد؛ همان‌طور که گفته شد زمانی طرفین سازش را به عنوان روش حل و فصل اختلاف خود در نظر می‌گیرند که محکومیت طرف مقابل هدف اصلی‌شان نیست و در اغلب موارد می‌خواهند رابطه معاملاتی خود را با او ادامه دهند. در چنین تصویری اصولاً ممکن است برای کسب رضایت طرف مقابل از برخی از حقوق مسلم خود اعراض کنند یا برخی از نقض تعهدات خود را پذیرفته و یا دلایل و اسنادی را به ضرر خود ارائه دهند تا بتوانند با این کار حسن نیت خود را به طرف مقابل نشان داده و از طریق همکاری دوستانه اختلاف خود را کنارگذارند. به همین دلیل برای به حداکثر رساندن حسن نیت طرفین و استقبال بیشتر آن‌ها از سازش بایستی قانون‌گذار چنین امری را پیش‌بینی کند. قانون ملی سنگاپور در ماده ۱۰ و ۱۱ اصل را بر عدم قابلیت استناد اسناد و ادله میانجی‌گری فرض نموده است لیکن در ادامه مواردی را مطرح می‌نماید که دادگاه می‌تواند با حکم خود، رای بر افشای جلسات و اسناد موجود در سازش را بدهد.<sup>۱</sup> البته چنین امری منوط گردیده است به حفظ منفعت عمومی و معیار تشخیص آن بر عهده دادگاه قرار گرفته است، با این وجود به نظر می‌رسد اعطای بی‌حد و مرز چنین موضوعی به دادگاه نمیتواند تضمین مناسبی بر رعایت شرط محرمانگی سازش باشد و جای تامل دارد.

---

1. See Article 10&11 in Mediation Act 2017, The Statutes of the Republic of Singapore, 2020 Revised Edition.

## نتیجه‌گیری

فلسفه نگارش مقاله پیش‌رو به طور خلاصه در پاسخ به سه پرسش خلاصه می‌شود. در ایران قواعد سازش وجود دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن سوال پیشین، آیا این قواعد، کارآمد می‌باشد؟ و در آخر در قوانین و مقررات سایر نظام‌های حقوقی، قواعد سازش به چه شکل می‌باشد؟ همان‌طور که پس از واریسی پیدایش و تبیین سازش استنباط شد، پاسخ به پرسش اول مثبت است و قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مدنی گواهی برای استناد به آن هستند. لیک در پرسش دوم در بحث قواعد ماهوی و شکلی بایستی قائل به تفکیک شد؛ در قانون مدنی و ذیل عقد صلح، قواعد ماهوی شایسته‌ای برای سازش مشاهده شد و استدلال گردید که نظام قانونی به پشتوانه نظام فقهی خود، بستر مناسبی برای سازش فراهم نموده است. اما در بحث قواعد شکلی و احکام رسیدگی به سازش در قانون آیین دادرسی مدنی خلاءهایی وجود دارد. ازین‌رو ضرورت پاسخ به پرسش سوم برجسته شد تا بدین سبب بتوان با نگاهی تطبیقی به قوانین ملی دیگر کشورها و قواعد بین‌المللی دیگر سازمان‌ها، چشم‌اندازی جامع جهت مقررات‌گذاری مطلوب ارائه نمود. بنابراین، موضوعاتی همچون شناسایی و تعریف یک موافقتنامه صحیح سازش، نحوه انتصاب اوصاف و وظایف سازشگر، تاسیس یک سازمان مستقل جهت برپایی جلسات و شناسایی و اجرای سازش‌نامه ناشی از سازش، مطرح شد. تخصیص سازش به امور تجاری بین‌المللی و امکان استفاده از راه‌حل‌های تجاری برای اختلافات تجاری در راستای تخصص شدن امور مرتبط با تجارت مورد بررسی قرار گرفت؛ سپس تبیین اینکه در سازش چه میزان اختیار برای طرفین وجود دارد، از جمله مسائل اساسی بوده و گفته شد منتقدان سازش اختیار بیش از حد این شیوه را به دلیل ناپایداری وضعیت طرفین، به عنوان یکی از عیوب سازش می‌شمارند. به همین سبب و در راستای رفع این ایراد، بیان شد که چنانچه حل و فصل اختلاف به بازه‌های زمانی مختلفی تقسیم شوند و در مرحله آخر نیز سازش‌نامه

حاصل از سازش مانند داوری قدرت اجرایی داشته باشد، چنین انتقادی به نحو شایسته‌ای مرتفع می‌گردد؛ حفظ محرمانگی، نحوه برگزاری جلسات دادرسی و عدم قابلیت استناد ادله نیز مفاهیم دیگری بودند که جملگی در قواعد و مقررات تطبیقی پیش‌بینی شده‌اند و بایستی به شرحی که داخل مقاله گذشت به آن توجه شود.

## منابع و مآخذ

- احمدوند، خلیل‌الله، مقامی، رستم (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی نهاد سازش در حقوق ایران و مصر. فصلنامه بین‌المللی قانون یار، ۱۷، ۱۵۷-۱۸۱.
- اسدی نژاد، سیدمحمد (۱۳۹۱). اصل استقلال و بی‌طرفی در داوری تجاری بین‌المللی. دانش و پژوهش حقوقی، ۱(۲)، ۱-۲۴.
- افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی (۱۳۹۳). آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات دور اندیشان، چاپ اول.
- درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۰). مطالعه‌ای بر میانجی‌گری به عنوان روش دوستانه حل و فصل اختلافات. مطالعات حقوق خصوصی، ۴۱(۴)، ۱۲۱-۱۳۷.
- <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25885618.1390.41.4.7.1>
- طهرانچیان، پرستو (۱۳۹۷). شورای حل اختلاف (سازش داوری و حقوق شهروندی). تهران: نشر ساکو، چاپ اول.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱). حقوق تجارت بین‌الملل. تهران: سمت.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۵). بررسی قانون نمونه آنسیترال در خصوص اصلاح‌گری بین‌المللی. اندیشه‌های حقوقی، ۴(۱۰)، ۴۵-۷۳.
- عالی پناه، علیرضا و زیار، محسن (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی نهاد سازش در حقوق ایران و حقوق تجارت بین‌الملل. آموزه‌های حقوقی گواه، ۳(۲)، ۶۳-۹۶.
- مجدآبادی فراهانی، فرزانه و اصغری، سمیرا (۱۴۰۱). واکاوی عقد صلح در پرتو قوانین و مقررات مالیاتی. پژوهشنامه مالیات، ۵۳(۳۰)، ۱۲۳-۱۴۳.
- منصوری، محمد، الشریف، محمد مهدی و طباطبایی، سید محمد صادق (۱۴۰۱). تأملی در نسبت عقود غیرمعین و عقد صلح. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۱(۴۰)، ۱۲۹-۱۶۵.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۳۴ ه.ق)، تحریر الوسیله، جلد اول، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.



نایینی، محمدحسین (۱۳۷۳ ه.ق)، منیه الطالب فی حاشیه مکاسب، جلد اول، تهران: المکتبه المحمديه.

نیکبخت، حمیدرضا و ادیب، علی اکبر (۱۳۹۵). اصلاحگری و میانجی‌گری به عنوان جایگزین روش‌های سنتی حل اختلافات مدنی-تجاری «امکان بکارگیری آنها در صنعت نفت». فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۰(۷۸)، ۵۷-۸۱.

## References

- Ahmadvand, Kh. & Maghami, R. (2021). A Comparative Study of the Conciliation Institution in Iranian and Egyptian Law. *Qanun Yar Scientific-Legal Quarterly*, 5(17), 157-181. (in Persian)
- Aali panah, A., & Zavvar, Mohsen (2017). Comparative Study of the Institution of Conciliation in Iranian Civil Procedure and International Trade Law. *Evidence legal teachings*, 3(2), 63-96. (in Persian)
- Asadi nejad, S. M. (2012). The Independence and Impartiality Principales in International Commercial Arbitration. *Academic Journal of Knowledge and Research of Law*, 1(2), 1-24. (in Persian)
- Barrett, J. T., & Barrett, J. (2004). *A history of alternative dispute resolution: The story of a political, social, and cultural movement*. Hoboken: Jossey-Bass.
- Cot, J. (1990). La conciliation Internationale, Paris: Éditions A. Pedone, 1968, as quoted in Reif, Linda C., “. Conciliation as a Mechanism for the Resolution of International Economic and Business Disputes”, *Fordham International Law Journal*, 14(3), 582.
- Darvishi Hoveyda, Y. (2011). a study of the mediation as a friendly method for settlement of disputes. *Law Quarterly*, 41(4), 121-137. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25885618.1390.41.4.7.1> (In Persian)
- Eftekhar Jahromi, G., & Elsan, M. (2014). *Civil Procedure Code*. Tehran: Dorandishan Publications, first edition. (in Persian)
- Galanter, M. (1983). Reading the landscape of disputes: What we know and don't know (and think we know) about our allegedly contentious and litigious society. *Ucla L. Rev.*, 31, 4.

- Goldberg, S. B., Green, E. D., & Sander, F. E. (1985). ADR problems and prospects: Looking to the future. *Judicature*, 69, 291.
- Majdabadi Farahani, F., & Asghari, S. (2022). Analyzing the Peace Agreement in the Light of Tax Laws and Regulations. *Journal of Tax Research*, 30(53), 123-143. (In Persian)
- Mansouri, M., Asharif, M. M., & Tabatabaie, S. M. S. (2022). Thinking about the ratio of Innominate Contracts and conciliation Contract. *Private Law Research*, 11(40), 129-165. (In Persian)
- Mousavi Khomeini, S.R. (2012). *Tahrir al-Wasila*. First volume, Qom: Dar al-Alam Press Institute. (In Persian)
- Nayini, M.H. (1994). *Maniyeh-al-Talib in the margins of Al-Makasab*. First volume, Tehran: Al-Mohammadiyah Al-Maktabeh. (In Persian)
- Nikbakht, H.R., Adib, A.R., (2017). Conciliation and mediation as alternative dispute resolution mechanisms for civil and commercial disputes and the viability of their application in the petroleum industry. *Legal Research Quarterly*, 20(78), 57-81. (In Persian)
- Reif, L. C. (1990). Conciliation as a Mechanism for the Resolution of International Economic and Business Disputes. *Fordham Int'l LJ*, 14, 578.
- Shiravi, A.H. (2012). *International Trade Law*. Tehran: SAMT publication.
- Shiravi, A.H. (2006). Review of the UNCITRAL model law regarding international reformation. *Legal Thoughts*, 4(10), 45-73 (In Persian)
- Tehranchian, P. (2017). *Dispute Resolution Council (Arbitration Agreement and Citizen Rights)*, Sako Publishing, first edition, Tehran. (In Persian)